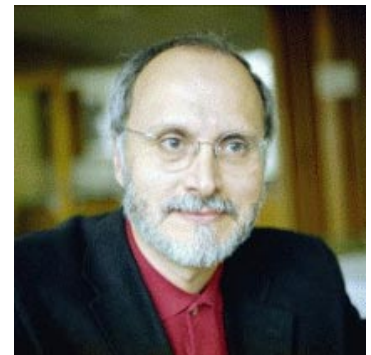


دوگانگی اخلاقی غربی جنگ دائمی اسرائیل و مشکل کار مشترک

Gilbert Achcar
برگردان ناهید جعفرپور



توضیح مترجم: (ژیلبرت اشگر لبنانی استاد علوم سیاسی در دانشگاه پاریس است و در شهر برلین زندگی می کند. مصاحبه زیر را صوفیا دگ در کنفرانسی که در برلین با تم " اروپا و اختلافات اسرائیل/فلسطین " در اواخر نوامبر ۲۰۰۶ انجام پذیرفت با وی انجام داده است.)

سؤال: در کنفرانس خاورمیانه که همین اخیراً از سوی فراکسیون چپ مجلس آلمان سازماندهی شده بود، سازماندهان موفق نشدند حتی برای یک نفر از کسانی که قرار بود از نوار غربی اردن به این کنفرانس بیایند ویزای سفر به آلمان را بگیرند. این قضیه شامل حال تمامی فلسطینی های نوار غربی بود حال فرق نمی کند که آنها از چه باور سیاسی برخوردار بودند. این رفتار ماموران آلمانی نشانه بیماری ای در رابطه با سیاست آلمان / اسرائیل از سوئی و آلمان/فلسطین از سوی دیگر است.

جواب: سیاست دوگانه رفتاری ی مخصوص قدرتمندان غربی در رابطه با اسرائیل و فلسطین را به طور واقعی نمی توان نادیده گرفت. زمانی که اوائل سال جاری ساکنین مناطق اشغالی در انتخاباتی که در نظر همگان به عنوان انتخاباتی دمکراتیک شناخته شد شرکت نمودند و اکثریت ساکنین آراء خویش را به حماس دادند، اروپا و آمریکا دست به هر کاری زدند که دولت جدید را ایزوله نمایند. آنها تلاش کردند تمامی سرچشمه های مالی را که این دولت به آنها وابسته بود تا احتیاجات مردم را برآورده کند قطع نمایند. با این کار آنها فلسطینی ها را برای انتخاب این دولت مجازات نمودند. اما در مقابل آنها (اروپائی ها) با یک دولت اسرائیلی با رهبری شارون که برای جنایت های وحشتناک مسئول بود خوب کنار آمدند. همچنین اولمرت وزیر جدید کابینه اسرائیل، آویگدور لیبرمن که اوری آونری اخیراً از آنها بعنوان فاشیست ها یاد نموده است و کابینه شان برای پاکسازی های بیشمار انسانی مسئول می باشد، هیچ مشکلی برای اروپائی ها به وجود نمی آورند. مسلماً این دو گانگی ی رفتاری اروپا بر فلسطینی ها و بطور کل عربها و مسلمانان پوشیده نیست و از این رو در این جوامع همواره تصویری از " گلاش آف سیویلیزاسیون " آشتی ناپذیری در حال قوت است.

سؤال: اسرائیل از ماه ها پیش و در حال حاضر جبهه جنگی خشونت باری را در غزه بر علیه حماس و مجموعه مردمی که آنجا بسر می برند براه انداخته است. برای چه حالا اسرائیل این رفتار را دارد؟

جواب: از سال ۲۰۰۰ به این سو که ارتش اسرائیل از لبنان عقب نشینی نمود بدون اینکه موفق شود شرط و شروطی را بگذارد و همچنین از زمان شکست اسرائیل در آخرین جنگ در لبنان این ارتش خشمگین و پر از بغض و حس انتقام است. دقیقاً از این مقطع تلاش می کند قدرتی را که نتوانست در این مقاطع به اثبات رساند مجدداً از نو نشان دهد. گذشته از این هدف سیاست اسرائیل و همچنین سیاست آمریکا این است که در مناطق اشغالی جنگی داخلی را دامن زند.

در تاریخ ۲۷ یونی سازمان حماس و الفتح برای تشکیل دولتی از میان ائتلاف ملی توافق نمودند. در تاریخ ۲۸ یونی اسرائیل حمله نظامی نمود. مسئله بر سر این بود که از این طریق جلوگیری از ائتلاف فلسطینی ها شود. یک چنین استراتژی

را اسرائیل به پشتیبانی اروپا و آمریکا زمانی که در تابستان به لبنان حمله نمود دنبال کرد. در لبنان هم مسئله بر سر به هم زدن ائتلاف ملی بود تا بدین وسیله نیروهای مقاومت بر علیه اسرائیل و یا بهتر بگویم مخالف هژمونی آمریکا را مورد هدف قرار دهد و از طریق عباس و سینیورا که شرکای غرب می باشند بر علیه آنها اقدام کنند.

سؤال: اسرائیل در لبنان و مناطق اشغالی آنچنان روشی را دنبال می کند که تصور می شود که اصولاً هیچگونه حقوق بین المللی برخوردار است از پیمان ژنو و حقوق بشر و یا سازمان مللی وجود ندارد؟

جواب: این چیز جدیدی نیست. اسرائیل هیچگاه به منافع مردم فکر نکرده است و اهمیتی نداده است. من می خواهم اولین جنگ اسرائیل در لبنان را بخاطر شما بیابم که در حدود ۱۰۰۰۰ غیر نظامی به قتل رسیدند. از جمله این قربانیان ساکنین شهرک فلسطینی نشین صبرا و شاتیلا بود. آنها زمانی که مبارزان فلسطینی منطقه را ترک نمودند بی پناه باقی ماندند. آن چیزی که جدید است رفتار اسرائیل و آمریکا از تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به این سو است. منطق جنگ های پایدار و دائمی از اصول پایه ای هویت و شناسنامه اسرائیل از زمان پیدایشش است. اسرائیل ماشینی جنگی است و جامعه اش روز به روز نظامی تر می شود. اسرائیل در این جنگ های پایدار و دائمی اش هیچگاه به حقوق بین المللی اهمیتی نداده است و به آن احترام نگذاشته است. آمریکا و دولت بوش در این رابطه پیش قراول اسرائیل می باشند. در هر دو این کشور ها از تاریخ ۲۰۰۱ و از زمان روی کار آمدن بوش و شارون سیاست تندرانه همسانی داشته اند. هم اکنون در انتخابات کنگره آمریکا که دمکرات ها برنده شده اند راه های امیدوی گشایش یافته است. البته این به آن معنی نیست که من انتظاری بهتر از دمکرات ها دارم اما حداقل با آمدن آنها این تند روی در سیاست گسترش جنگ در آمریکا کمی تخفیف می یابد.

سؤال: آیا در مبارزه علیه جنگ های پایدار آمریکا در جهان سازمان های سیاسی اسلامی چون حماس و یا حزب الله متحدی برای چپ ها می باشند؟

جواب: "اسلام سیاسی" واژه ای کلی و نامشخص است. در این چهارچوب نیروهائی قرار دارند چون دولت فعلی ترکیه از سوئی و بن لا دن از

اعدام صدام و همدستانش

۱۵ روز پس از اعدام صدام حسین دیکتاتور پیشین عراق، در سحرگاه روز دوشنبه ۱۵ ژانویه، دو تن دیگر از دستیاران او، برزن ابراهیم التکریتی، برادر ناتنی او، که مسئولیت سازمان اطلاعات عراق را در چند سال آخر به عهده داشت و حامد البندر، قاضی دادگاه انقلاب در رژیم صدام، که همراه او به اتهام کشتار دجیل در یک دادگاه غیر دموکراتیک محاکمه و به اعدام محکوم شده بودند، برغم درخواست های مجامع بین المللی برای لغو حکم اعدام آنها، به دار آویخته شدند.

صدام حسین و حلقه نزدیک اطرافیانش در طول ۳۳ سالی که بر عراق حاکمیت بی چون و چرا داشتند، جنایات زیادی مرتکب شدند. در زمان حکومت صدام، تنها در جریان دو جنگ بزرگ با ایران و کویت، صدها هزار نفر کشته و زخمی شدند. میلیون ها نفر آواره و دربر گشتند. میلیاردها دلار خسارت مالی به بار آمد و تخریب محیط زیست از گردونه محاسبه بیرون زد. حاصل حکومت شوم این دیکتاتور مستبد برای مردم خود نیز، جز کشتار و ویرانی، جز غل و زنجیر، جز فقر و فلاکت، جز سرزمین های سوخته با مواد شیمیایی و جز غم و اندوه و درد ورنج و نیستی و نابودی، چیز دیگری نبوده است.

این وحشیگری و خشونت نمی توانست بدون پشتوانه آمریکا و پشتیبانی غرب و سکوت سایر دول بزرگ اعمال شود. بیش از چندین سال، صدام برای مقابله با بنیادگرایان حاکم بر ایران پرورانه شد. مواد شیمیایی آتش تامين و سلاح هایش تضمین شد. چرخش سیاست آمریکا و مقابله اش با صدام و دلایل پشت آن، می تواند یکی از انگیزه های دادگاه غیر دموکراتیک صدام و دستیارانش باشد. محاکمه این جنایت کاران در یک دادگاه بین المللی می توانست چشم مردم جهان را بر صندوق خانه اسرار دول سلطه گر بگشاید و رازهای نهفته در سینه دیکتاتور بغداد را بر ملا کند. یک دادگاه دموکراتیک بین المللی به سود دول بزرگ همدست صدام و به ویژه آمریکا نبود. اجرای این سیاست اما تنها می توانست به دست جریان های شیعی چون دولت نوری مالکی، که اکنون حکومت عراق را در دست دارد، عملی شود. این دولت از جنس جمهوری اسلامی است و با اندیشه مرگ و انتقام ساخته و پرداخته شده است. هم شیفته انتقام و اعدام است و هم با دموکراسی ناسازگار است.

و بالاخره نگرانی از تغییر و تحولات در جریان انتخابات اخیر آمریکا، پس از روی کار آمدن دموکراتها و گسترش ناآرامی ها در عراق و زمزمه صدور اجازه برای فعالیت حزب بعث از دلایل شتاب در اجرای احکام اعدامهاست. با این شتاب، به زعم خود خواسته اند راه بازگشت بعثیان را سد کنند.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران بنا بر مخالفت اصولی اش با اعدام، حتی اعدام جنایتکارانی چون صدام و یارانش را نادرست و زیانبار می داند و بر این باور است که جریان دادگاه صدام و یارانش به شکل غیر دموکراتیک و در فضایی کاملاً بسته و تحت کنترل، برگزار شده است. در نتیجه هم حق متهمان ضایع شده است و هم مردم عراق و مردم سایر کشورهای جهان از دستیابی به اطلاعات درست محروم شده اند. با اعدام این افراد رازهای بسیاری که می توانست در سطح افکار عمومی گشوده شود، به خاک سپرده شد. در جریان این محاکمه، اعمال و زد و بندهای همدستان جهانی صدام، در پرده ابهام بیشتری فرو ماند.

از اینرو ما اعدام های اخیر را محکوم کرده و از مجامع و نهادهای بین المللی می خواهیم که برای جلوگیری از اعدامها و برگزاری دادگاههای علنی و دموکراتیک، حکومت کنونی عراق را زیر فشار بگذارند.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

۱۶ ژانویه ۲۰۰۷

سوی دیگر و رژیم " ضد آمریکائی" ایران و یا سعودی "طرفدار آمریکا". اما زمانی که ما از حزب الله و یا حماس صحبت می کنیم یعنی سازمان های بنیادگرای اسلامی که امروز نیروهای حاضر بر علیه اشغال و سیاست آمریکائی در خاورمیانه می باشند، باید بگویم که مدتهاست میان این نیروهای اسلامی و چپ هائی چون سازمان " پ اف ال پ" در فلسطین و یا حزب کمونیست لبنان اتحادی وجود دارد. آنچه که مهم است این است که این اتحاد در مبارزه چگونه است و بر چه مبنائی است. یعنی اینکه جداگانه سازماندهی و حمله کنی و مشترکا ضربه بزنی. حزب کمونیست لبنان این منطق را اعلام نموده است که با حزب الله کار مشترک می کند بدون اینکه زیر نفوذ حزب الله برود.

باید توجه نمود که جامعه لبنان جامعه ای است چند مذهبی به این خاطر هم حزب الله می داند که در این جامعه نمی تواند مدلی را چون جمهوری اسلامی ایران برقرار کند. از این رو تلاش می کند نفوذ خود را در میان شیعیان لبنان بالا برد. همچنین شیخ نصرالله هم در طول این سال ها به لحاظ دلایل تاکتیکی و همچنین به لحاظ قدرت دشمن آدمی عمل گرا شده است. اما باید توجه نمود که با تمام این اوضاع حزب الله در اساس بدنبال ایدئولوژی خود خواهد بود و برای آن تلاش خواهد نمود.

فوروم جهانی نایروبی.....

بقیه از صفحه ۲۱

تشکیل شبکه‌ای گسترده از فعالین جنبش‌های زنان جهان برای ارتباط و انتقال تجربه و همبستگی و پراتیک عملی و سمینارهای بیشماری را سازماندهی نموده و تصمیم دارند از نزدیک در باره خشونت بر علیه زنان قاره آفریقا آشنا شده و با بسیاری از زنان در رابطه با این خشونت‌ها به گفتگو بنشینند. همچنین قرار است که فعالان جنبش زنان در فوروم جهانی نایروبی با نماینده مجلس کنیا خانم آدلینا موابو که در این کشور سال‌های طولانی برای رفع هرگونه خشونت و تبعیض علیه زنان کنیائی مبارزه می کند و در این رابطه پروژه‌های بیشماری

مردم این قاره در فقری مطلق بسر می برند و با هیولای مرگ دسته و پنجه نرم می کنند لذا مبارزه با این شرایط و از دیگر بحث های عمده جنبش‌های اجتماعی شرکت کننده در فوروم نایروبی است و در این رابطه هم کنفرانس جنبش‌های اجتماعی فوروم جهانی برای اقدامات عملی تصمیم گیری خواهد نمود.

در مجموع ۱۳۰۰ سمیناری که در این ۵ روز در نایروبی برگزار می‌شوند خود نشان‌دهنده استقبال جنبش‌های اجتماعی جهان از ایده فوروم و بلوغ فکری این جنبش‌هاست. شعار محوری امسال فوروم جهانی در نایروبی با سال های قبل تفاوتی کیفی نموده است و آنهم دیگر جمله "جهانی دیگر ممکن است" پاسخگوی نیاز جنبش های اجتماعی جهان نیست بلکه در شرایط غیر قابل تحمل کنونی بر بسیاری از اعلامیه‌های فوروم جهانی نوشته شده است "جهانی دیگر ممکن و ضروری است".

را اجرا نموده است که از جمله این پروژه‌ها تشکیل جمعیتی از وکلا و روانشناسان زن است که وظیفه دارند قربانیان خشونت‌های خانگی و اجتماعی را یافته و به آنان طرق مقابله با این تبعیضات را آموخته و بعد از کار روانکاوای از جهات مختلف به این زنان یاری رسانند، ملاقات نمایند و از نزدیک با پروژه های وی آشنا شوند.

پنجم اینکه فوروم جهانی سال ۲۰۰۷ را سال مبارزه با بیماری ایدز خوانده است و از آنجا که طبق آمارهای رسمی ۲،۱ میلیون از مردم قاره آفریقا به بیماری ایدز مبتلا بوده و جان هزاران شهروند دیگر این قاره در معرض خطر می‌باشد و از سوی دیگر علارغم ذخایر ثروتمند این قاره اما در اثر سیاست‌های استثمار گرانه سرمایه داری جهانی با کمک صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و ارتجاع بومی و ارتجاع جهانی و سیاست های استثماراری و استثماراری اتحادیه اروپا در رابطه با این قاره و بیش از نیمی از